KAYNAK: T. Yazıcı-A. N. Tokmak-M. Kanar, ***Eski İran Nesrinden Seçmeler***, **s. 41**

**حکایت (از روضۀ دوم بهارستان)**

در مجلس کسری سه تن از حکما جمع آمدند فیلسوف روم و حکیم هند و بزرجمهر. سخن بآنجا رسید که سخت‌ترین چیزها چیست؟ رومی گفت: پیری و سستی با ناداری و تنگ دستی. هندی گفت: تن بیمار باندوه بسیار. بزرجمهر گفت: نزدیکئ اجل با دوری از حسن عمل. همه بقول بزرجمهر رضا دادند.

 پیش کسری ز خردمند حکیمان میرفت

 سخن از سخت‌ترین موج درین لجۀ غم

 آن یکی گفت که بیماری و اندوه دراز

 و آن دگر گفت که ناداری و پیریست بهم

 سومین گفت که قرب اجل و سوء عمل

 عاقبت رفت بترجیح سیم حُکم حکَم

(حکمت) حکیمی را پرسیدند که آدمی زاده کی بخوردن شتابد؟ گفت: توانگر هرگاه که گرسنه شود و درویش هرگاه که بیابد.

قطعه

بخور چندانکه نهند (ننهد) خانۀ عمر ز بیشی و کمی رو در خرابی

(آنقدر بخور که خانۀ عمر از بیشی و کمی روی در خرابی ننهد خراب نکند)

اگر دارندۀ هرگه که خواهی وگر نداری هرگاهی که یابی

(حکمت) حکیمی با پسر خود گفت: باید که بامداد از خانه بیرون نیآیی تا نخست لب بطعام نگشایی زیرا که سیری تخم حلم و بردباریست و گرسنگی مایۀ خشک مغزی و سبکساری.

در مجلس کسری سه تن از حکما جمع آمدند فیلسوف روم و حکیم هند و بزرجمهر. سخن بآنجا رسید که سخت‌ترین ِ چیزها چیست؟ رومی گفت: پیری و سستی با ناداری و تنگ دستی. هندی گفت: تن بیمار باندوه بسیار. بزرجمهر گفت: نزدیکئ اجل با دوری از حسن عمل. همه بقول بزرجمهر رضا دادند.

 پیش کسری ز خردمند حکیمان میرفت

 سخن از سخت‌ترین موج درین لجۀ غم

(حکیمان خردمند، پیش ِ کسرا در مورد ِ سخت ترین موج (مُشکل) در این لجّۀ غم (در این دنیا، عالم) سخن می گفتند، گفتگو می کردند، بحث می کردند)

 آن یکی (حکیم هند) گفت که بیماری و اندوه ِ دراز (است)

 و آن دگر (فیلسوف روم) گفت که ناداری و پیریست بهم (است)

 سومین (بزرجمهر) گفت که قرب ِ اجل و سوء عمل (است)

 عاقبت رفت بترجیح سیم حُکم حکَم

(عاقبت حکم ِ حکما سوم را ترجیح داد)

(حکمت) حکیمی را پرسیدند که آدمی زاده کی بخوردن شتابد؟ گفت: توانگر هرگاه که گرسنه شود و درویش هرگاه که بیابد.

قطعه

بخور چندانکه نهند (ننهد) خانۀ عمر ز بیشی و کمی رو در خرابی

(آنقدر بخور که خانۀ عمر از بیشی و کمی روی در خرابی ننهد خراب نکند)

اگر دارندۀ هرگه که خواهی وگر نداری هرگاهی که یابی

(حکمت) حکیمی با پسر خود گفت: باید که بامداد از خانه بیرون نیآیی تا نخست لب بطعام نگشایی زیرا که سیری تخم حلم و بردباریست و گرسنگی مایۀ خشک مغزی و سبکساری.

**کسری**: عنوان پادشاهان ساسانی

**حکما** (جمع ِ حکیم) : دانا، پزشک، فیلسوف، عارف

**بزرجمهر**: نام ِ وزیر ِ انوشیروان

**سستی** : ناتوانی، تنبلی، آهستگی

**قرب**: نزدیک شدن، نزدیکی، خویشاوندی

**موج** : خیزاب، کوهه‌آب، کوهه بر آوردن دریا

**شتافتن (شتاب)** عجله کردن، تند رفتن، عازم شدن

**رو نهادن (-نه)**: روی کردن، روی آوردن

**خشک مغزی** : خشک +مغز+ی: تندخوی inatçılık

**سبکسار** : فرومایه، بی خرد؛ خوار

Çevirinizi, Baharistan’ın bir Türkçe çevirisi ile karşılaştırabilirsiniz (Baharistan, İkinci Bahçe)